

## نمایشگاه همدستی فرانسه در جنایات صدام علیه

### ملت ایران و عراق برپا می شود.

افزود: آنچه امروز از دولت نیکولا سارکوزی دیده می شود همان سیاست های نابخردانه دولت موقت فرانسه در پشتیبانی از صدام بویژه در سالهای جنگ تحمیلی است. در پایان خاطر نشان کرد: در همین راستا مرکز فرهنگی دفاع مقدس خرمشهر با جمع آوری اسناد و مدارک و همچنین عکس و فیلم، نمایشگاهی از شراکت فرانسه در جنایات صدام را به زودی برگزار می کند. وی در پایان با دعوت از محققین و صاحب نظران در این زمینه اضافه کرد: مرکز فرهنگی دفاع مقدس خرمشهر آمادگی دارد آثار داخلی و خارجی در همدستی فرانسوی ها در جنایات صدام را دریافت و بنام صاحب اثر به نمایش بگذارد. مدیر مرکز فرهنگی دفاع مقدس خرمشهر با بیان گوشه ای از حمایت های فرانسه

متحرک موشک انداز در به خاک و خون کشیدن زنان و کودکان ایرانی در جنگ شهرها همدست صدام خونریز شده بود، بعلاوه آنها با تجهیز صدام به سلاح های مخصوص نبردهای دریایی صدام را در انهدام تأسیسات نفتی ایران مصمم کردند تا جنگ را به نفع دیکتاتور بغداد به پایان ببرند. وی گفت: سلاح های اهدایی فرانسه به صدام در عراق نیز علیه مردم کرد و شیعیان بکار گرفته شده و امروز اسنادی در دست است که نشان می دهد صدام در حمله به کویت نیز از این سلاح ها استفاده کرده است. در پایان افزود: برابر اسناد موجود صاحبان شرکت های بزرگ فرانسوی بویژه شرکت های نفتی و تسلیحاتی این کشور که از معاملات وسیع با صدام سودهای سرشاری برده بودند و روابط ویژه ای با دولت صدام و رجال جنایتکار آن از جمله طه یاسین رمضان و طارق عزیز داشتند از جمله تأمین کنندگان مالی سارکوزی در جریان انتخابات ریاست جمهوری اخیر فرانسه بوده اند.

اپوزیسیون خارج کشور را «برانداز» بنامد و بخش عمده ای از اپوزیسیون نیز به این دام افتاده و آن را تأیید میکند. بخش دیگری از اپوزیسیون که به اصلاحات در درون نظام چشم بسته است نیز در این کارزار تبلیغاتی به کمک رژیم رفته و همه کسانی را که خواهان تغییرات ساختاری نظام سیاسی ایران هستند برانداز می نامد. کاربرد این اصطلاح از سوی رژیم ظاهراً در داخل کشور برای مردمی که نگران ایران پس از جمهوری اسلامی هستند برد تبلیغاتی دارد. این مردم فقط طرفداران رژیم را در بر نمی گیرد، و بلکه شامل بخش بسیار بزرگتری از جامعه ما نیز هست که چون بدیل مناسبی برای جمهوری اسلامی نمی شناسند از هر نوع براندازی هراسانند. علاوه بر این، رژیم از کاربرد این اصطلاح هدف جداسازی نیروهای داخل و خارج کشور را نیز دنبال می کند، و شواهد حاکی از آن است که در این امر بسیار موفق بوده است.

اگر اپوزیسیون خارج کشور برانداز است، هر نیروی داخلی که به نحوی با آن در ارتباط قرار گیرد به سادگی به براندازی متهم می شود- اتهامی که بر اساس قوانین موجود ایران مجازات مرگ را در پی دارد.

راه مقابله با این ترفند رژیم آن است که اپوزیسیون در عین تأکید بر خواست تغییرات ساختاری در نظام سیاسی ایران (و تشکیل مجلس مؤسسان برای تدوین یک قانون اساسی دموکراتیک جدید) راه های تحقق آن را به روی خود باز بگذارد. اپوزیسیون به خصوص باید خود را از اسارت اندیشه «تضادهای آشتی ناپذیر» که مرده ریگ دو ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم و اسلام گرایی است آزاد کند و آمادگی خود را برای حل مسئله دموکراسی از طریق گفتگو با رژیم جمهوری اسلامی اعلام دارد. از این نکته می گذریم که اپوزیسیون در مقامی نیست که بتواند در آینده نزدیک یا متوسط کمترین شانس برای براندازی داشته باشد، و ادعاهایی از این قبیل گزافه هایی بیش نیست.

ولی همین ادعاها، و نفی هر گونه مذاکره با رژیم، بهترین سلاح تبلیغاتی را در اختیار رژیم قرار می دهد تا بین اپوزیسیون خارج کشور از یک سو، و نیروهای سیاسی و مردم داخل کشور از سوی دیگر، شکاف عمیقی بیندازد و اپوزیسیون خارج کشور را هم چون بیست و چند سال گذشته در انزوا نگاه دارد. اپوزیسیون خارج کشور باید با تأکید بر ضرورت تغییرات ساختاری در نظام سیاسی ایران، از هر طریق ممکن، و از جمله با اعلام آمادگی برای مذاکره، بر رژیم فشار وارد آورد و آن را در موضع دفاعی قرار دهد.

ولی برای این کار لازم است که این اپوزیسیون سلطه ایدئولوژی های یاد شده را در هم بشکند و نشان دهد که در راه احقاق حقوق مردم ایران هیچ تابویی را به رسمیت نمی شناسد.

از صدام جنایتکار گفت: فرانسه از شهریور ۱۳۵۹ به ترتیب ۵/۶ میلیارد دلار سلاح نظامی و ۴/۷ میلیارد دلار قراردادهای بازرگانی و غیرنظامی با صدام بست که هفت میلیارد دلار از این مبالغ به صورت وام در اختیار دیکتاتور سابق عراق قرار گرفت. وی افزود: این کمک ها در سال ۱۹۸۲ میلادی به اوج خود رسید بطوری که ۴۰ درصد صادرات تسلیحات مرکب از فرانسه مربوط به تسلیح رژیم جنایتکار صدام بود که موشک های هوا به هوا از جمله آن است. در پایان اضافه کرد: کمک برای تولید هواپیماهای بسیار پیشرفته و خطرناک و تجهیز عراق به رادارهای حساس و کمک به برنامه های هسته ای بلند پروازانه صدام در ردیف دیگر کمک های فرانسویها برای شعله ور ماندن جنگ در منطقه بوده است. مدیر مرکز فرهنگی دفاع مقدس خرمشهر یادآور شد: فرانسه در کشتار مردم بی دفاع شهرهای ایران نیز نقش داشت و در اواسط جنگ با در اختیار نهادن ۱۳ سکوی

را از جستجو و یافتن راه های مناسبی برای تعامل با رژیم جمهوری اسلامی ناتوان کرده و بلکه بر عملکرد درونی خود اپوزیسیون نیز تأثیر داشته است.

برای سالیان دراز و تا همین اواخر، بخش های عمده ای از اپوزیسیون که در دو سوی مرزهای جمهوری خواهی و سلطنت طلبی قرار داشته اند از گفتگو و مذاکره با یکدیگر اجتناب کرده اند. اینان با این که به ظاهر مدعی بودند که خواهان نفی فیزیکی طرف مقابل خود نیستند، در عین حال با تحریم گفتگو با یکدیگر عملاً نفی سیاسی هم را به نمایش می گذاشتند. برای این کار البته لازم بوده است که طرف های مقابل را به صرف گرایش آنان (چپ بودن یا سلطنت طلبی) ناممورات بشناسند و به این ترتیب راه هر گونه نزدیکی و گفتگو با آنان را ببندند. این برخورد نیز جلوه ای از همان نگره است که نیروهای اجتماعی را به گروه های متخاصمی تبدیل می کند که وجه مشترکی بین آنان نمی توان یافت و راهی برای حل و فصل تضادهای آنان از راه مسالمت آمیز و آشتی جویانه وجود ندارد. البته این تابو در سال های اخیر کمی شکسته است، ولی هنوز هستند بسیاری که بر اختلافات خود با گرایش های مخالف انگشت می گذارند و آن ها را به حد تضادهایی آشتی ناپذیر بالا می برند و سپس از آن به عنوان توجیهی بر رد گفتگو با نزدیک به آنان بهره می گیرند. در هر صورت، جامعه سیاسی ایران و به خصوص اپوزیسیون، از سلطه این تفکر بر فرهنگ سیاسی کشور زیان زیادی دیده است. از یک سو، نیروهای مختلف اپوزیسیون از ارتباط و گفتگو با یکدیگر اجتناب کرده اند و راه های نزدیکی، تفاهم و همکاری با یکدیگر را بسته اند.

این امر نه تنها به پراکندگی اپوزیسیون در برابر جمهوری اسلامی و استمرار آن کمک رسانده است، و بلکه بخش زیادی از وقت و نیروی فکری و سیاسی اپوزیسیون را در بحث و جدل های بی حاصل و جنگ های حیدری- نعمتی به هز داده است. ما اگر به دموکراسی باور داریم، باید تحمل را نیز یاد بگیریم. مرزها را پر رنگ و غلیظ نکنیم و بین خود و رقیبان سیاسی خود دیوار ضخیمی نکشیم. اگر تصورات، ابهام ها یا برداشت هایی نسبت به گروه های دیگری داریم که آنان را از دید ما از حوزه دموکراسی خواهی بیرون می برد، روشن کردن این امر فقط یک راه دارد: گفتگوی مستقیم، نیروهایی که در چند سال اخیر به این گفتگوها دست زده اند زیانی ندیده اند، ولی دیگری که هنوز بر مواضع پیشین خود پافشاری می کنند اثری جز ادامه تفرقه و پراکندگی اپوزیسیون از خود بر جای نمی گذارند. از سوی دیگر، سلطه این تفکر، اپوزیسیون ایران را از اتخاذ یک سیاست انعطاف پذیر و مؤثر در برابر جمهوری اسلامی واداشته است. جمهوری اسلامی علاقه شدید دارد که

## ادامه مطلب آشتی ناپذیری، مرده ریگ... از صفحه ۲۵

خشونت بار در جامعه ما به شدت فرهنگ سیاسی ما را در دهه های اخیر تحت تأثیر قرار داده است. نیروهای سیاسی جامعه ما به نسبت این که تا چه حد تحت این آموزش ها قرار گرفته باشند در اندیشه ها و عملکردهای خود از آنها تأثیر پذیرفته اند. بی دلیل نیست که سازمان مجاهدین خلق که تحت تأثیر هر دو مؤلفه این فرهنگ (مارکسیسم - لنینیسم و اسلام سیاسی) بوده است بیش از هر سازمان دیگری، و به جز در فترت کوتاهی پس از انقلاب، مستمراً هر گونه سازش و مصالحه سیاسی را نفی کرده و بر کاربرد قهر به عنوان شیوه عمده حل تضادهای سیاسی خود با حاکمیت تکیه کرده است. حتی این واقعیت که این سازمان از دهه دوم حیات خویش پوسته مارکسیستی خود را به کناری نهاده به تغییری در سیاست های آشتی ناپذیر آن با حاکمیت منجر نشده است و بلکه به دلیل قدرت مؤلفه دیگر آن (اسلام گرایی)، و مرده ریگ اندیشه های رهبران اولیه آن که تحت آموزش های مارکسیستی نیز قرار داشته اند، در سال های پس از انقلاب خشن ترین و ناسازش پذیرترین پیکار علیه حکومت را سازمان داده است.

ولی همان طور که در بالا گفته شد، تأثیر این دو ایدئولوژی سازش ناپذیر در فرهنگ سیاسی ما فقط به پیروان و معتقدان آن ایدئولوژی ها محدود نبوده است. علاوه بر گروه هایی مانند چریک های فدایی خلق (که در سیاست سازش ناپذیر خود از آموزش های مارکسیسم- لنینیسم الهام گرفته بودند)، اسلام گرایان حاکم و یا وابسته به حاکمیت در جمهوری اسلامی (که در اعمال خشونت و حذف فیزیکی مخالفان خود به آموزه های اسلامی متوسل می شدند و می شوند) و مجاهدین خلق (که از هر دو مکتب تغذیه شده بودند و از هر دو گروه دیگر سرسختی بیشتری نشان داده اند)، گروه ها و گرایش های سیاسی دیگر نیز کم و بیش تحت تأثیر این فرهنگ قرار گرفته اند. در واقع می توان گفت که شدت این تأثیر به حدی بوده است که در فرهنگ سیاسی ما عموماً واژگانی از قبیل «سازش»، «مصالحه»، «تعامل»، «مذاکره» و مانند اینها بار منفی یافته است و هر گونه تلاشی برای توجیه این گونه برخوردها نوعی خیانت به «منافع مردم» (و به اصطلاح سنتی تر که اکنون منسوخ شده است، «منافع خلق») تلقی می شود. از دید این نگره حاکم، تنها از طریق برخوردهای آشتی ناپذیر و حذف یک طرف درگیری است که می توان منافع مردم را حفظ و حمایت کرد- و راه مسالمت جویانه ای برای حل تضادهای موجود سیاسی کشور نمی توان پیدا کرد. حاکمیت این طرز تفکر بر فرهنگ سیاسی ما نه فقط اپوزیسیون

مقوله تضادهای آشتی ناپذیر (یا آنتاگونیستی) یکی از سنگ پایه های آموزش های مارکسیستی-لنینیستی ادبیات مارکسیسم بوده است. این آموزش ها در شکل ساده خود بیان می داشت که تضاد بین کار و سرمایه یا بین کارگر و کارفرما آشتی ناپذیر است و فقط با از بین رفتن یک سوی مخاصمه (یعنی سرمایه و کارفرما) می توان آن را رفع کرد. تضاد با امپریالیزم نیز نمونه دیگری از این مقوله بشمار می رفت. این نگره البته بعد گسترش پیدا می کرد، و با طرح این که در یک جامعه سرمایه داری هیئت حاکمه نماینده طبقه سرمایه دار است، تضاد آشتی ناپذیر بین کارگر و کارفرما به تضاد آشتی ناپذیر بین خلق و حکومت تعمیم می یافت، و به این ترتیب زمینه های ایدئولوژیک مبارزه مسلحانه برای باز کردن راه استقرار حکومت طبقه کارگر فراهم می شد. در چنین مبارزه ای تنها حذف قدرت سیاسی یا اجتماعی دشمن هدف نبود، و بلکه حذف فیزیکی عناصر دشمن نیز در دستور کار قرار داشت. علاوه بر این، ترورهای دهه پیش از انقلاب در ایران فقط نیروهای نظامی و امنیتی رژیم حاکم را هدف قرار نمی داد، و بلکه سرمایه دارانی نیز صرفاً به دلیل این که کارخانه ای داشتند و کارگرانی را استخدام کرده بودند در معرض ترور قرار می گرفتند. از سوی دیگر، در فرهنگ اسلامی ما، مرز عبور ناپذیری بین اسلام و کفر، بین دارالاسلام و دارالکفر، و بین مسلمانان و کافران کشیده شده است. این مرز نه فقط تکلیف جاودانه زندگی پس از مرگ را برای این دو گروه تعیین کرده است و هر یک از آن دو را به بهشت یا جهنم همیشگی می برد، و بلکه در زندگی پیش از مرگ نیز وجه مشترک چندانی برای آنان باقی نگذاشته است. یکی راه یافته است و دیگری گمراه. یکی پاک است و دیگری نجس. یکی آزاد است و دیگری قابل بردگی. یکی حق است و دیگری باطل. و بعد وقتی این آموزه ها رنگ سیاسی به خود می گیرند، تضاد بین اسلام و کفر به صورت آشتی ناپذیر در می آید و حذف فیزیکی کافران توجیه پذیر میشود. قرآن در سوره توبه از «برائت» از مشرکان سخن می گوید و سپس فرمان «قتل» آنان یا «قتال» با آنان را صادر می کند. این آیات به صورت گسترده ای از سوی اسلام گرایان برای توجیه قتل و کشتار مخالفان خود مورد بهره برداری قرار گرفته است. اسلام سیاسی زمینه مناسبی برای گسترش یک فرهنگ انقلابی در جامعه ما فراهم آورده است که بر اساس آن تضادهایی را فقط از طریق حذف فیزیکی مخالف می توان حل کرد. پیدایش و گسترش تقریباً هم زمان این دو اندیشه بر توان

# جشن سالیانه کانون پدران و مادران ایرانی شمال کالیفرنیا

## در کلاب Avalon

۴ نوامبر ۲۰۰۷ از ساعت ۶:۳۰  
شروع برنامه ساعت ۷ بعد از ظهر

با همکاری آقای «همایون اسعدی پور»  
و

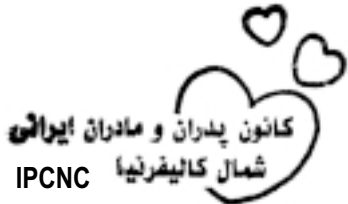
### گروه موسیقی «آهنگ»

پیش غذا - شام - برنامه های شاد هنری

برای اطلاعات بیشتر و تهیه بلیط لطفاً با شماره تلفن های زیر تماس بگیرید:

(408) 376-0214 \* (408) 378-2327

777 Lawrence Express, Santa Clara, CA 95051



با هنرمندی

گروه رقص آکادمی نیوشا



«اشکان» با صدای دل نشین  
و گروه اختصاصی خود



بهای بلیط:  
بزرگسالان ۳۵ دلار  
۱۰ سال به پایین ۲۵ دلار